

بنیاد نظری فلسفه انقلاب‌ها

محمد رضا کاری

مبین ابراهیم نیا



انتشارات آثار فکر

تهران - ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	کازی، محمدرضا، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	بنیاد نظری فلسفه انقلاب / محمد رضا کازی، حسین ابراهیم‌نیا
مشخصات نشر	تهران: آثار فکر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص.
شابک	978-600-7492-59-8
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	کتابخانه.
موضوع	انقلاب -- فلسفه Revolutions -- Philosophy
موضوع	شناخت (روان‌شناسی) -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	Cognition -- Social aspects
موضوع	روان‌شناسی سیاسی Political psychology
موضوع	انقلاب -- جنبه‌های اجتماعی Revolutions -- Social aspects
سازمان فزوده	ابراهیم‌نیا، حسین، ۱۳۶۰ -
زده بند برگرد	۱۳۹۵۸۷۶HM / ۹۲ ص.

بنیاد نظری فلسفه انقلاب‌ها

تألیف: محمدرضا کازی - حسین ابراهیم‌نیا

ناشر: انتشارات آثار فکر

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

طراح جلد: نیلوفر ابراهیم‌نیا

چاپ اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۲-۵۹-۸

تهران: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - پلاک ۹۹

تلفن: ۶ - ۱۶۶۹۶۷۳۵۵ / شماره: ۸۸۲-۶۶۴۸۰۸۸۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
----	-------

بخش نخست: نظریات شناخت

۱۷	مقدمه بخش اول: زمینه شناخت و روش
۱۹	فصل اول: روش؛ روش شناختی
۱۹	روش چیست؟
۲۰	چیزی دلس و روش آن
۲۸	رهافت‌ها، روش شناختی
۴۵	فصل دوم: شناخت، نظریات، شناخت
۴۵	نظریات شناخت
۴۶	شناخت؛ اثبات‌گرایی
۵۲	شناخت؛ تجربه‌گرایی
۵۶	شناخت؛ ماتریالیسم دیالکتیکی (مارکسیست - اینیستی)
۵۹	شناخت؛ دیالکتیکی - انتقادی
۶۰	شناخت؛ عقلگرایی انتقادی
۶۲	شناخت؛ استنباطی، شناخت مبتنی بر تفسیر
۶۴	پی نوشت بخش اول

بخش دوم انقلاب؛ ذات فلسفی و روانشناسی

۶۷	مقدمه بخش دوم
۶۹	فصل اول: هویت؛ فلسفه شناخت انقلاب
۶۹	هویت و فرد
۱۰۷	نظریات فلسفی شناخت انقلاب

فصل دوم: تئوری انقلاب بر اساس ذات فلسفی و روانشناسی اجتماعی.....	۱۱۳
فلسفه روانشناسی سیاسی.....	۱۱۳
ماهیت فلسفی روان‌شناسی سیاسی.....	۱۱۳
دیدگاه التقاطی و فلسفی در روان‌شناسی.....	۱۱۴
ارسطو، فروم روانشناس عصر مدرن با دیدگاهی التقاطی.....	۱۱۵
فلسفه سیاست.....	۱۲۱
شخصیت و سیاست.....	۱۲۱
شخصیت و جامعه‌پذیری سیاسی.....	۱۲۲
ماهیت و ذات جماعات.....	۱۲۴
نگاهی تطبیقی به تئوری انقلاب.....	۱۲۶
ویژگی‌های مشترک فلسفه انقلاب.....	۱۲۷
بنیان تحولات اجتماعی و کیفیت شکا گمناندیشه‌های انقلابی.....	۱۳۱
رهبری و انقلاب.....	۱۳۴
اندیشه‌های نظریه پردازان.....	۱۳۷
پی‌نوشت بخش دوم.....	۱۵۰

بخش سوم روش تبیین

مقدمه بخش سوم.....	۱۵۷
فصل اول: روش تبیین نظریات شناخت.....	۱۵۹
تبیین در مبانی نظری روش علوم اجتماعی.....	۱۵۹
رهیافت تبیین قیاسی در علوم اجتماعی.....	۱۶۱
رهیافت تبیین استقرائی در روش تحقیق علوم اجتماعی.....	۱۶۲
تبیین علمی در علوم اجتماعی.....	۱۶۳
تبیین نظریه.....	۱۶۵
تعاریفی از نظریه در ادبیات تخصصی.....	۱۶۸

تبیین: نظریه به چه کار می‌آید؟..... ۱۷۲

سطوح مختلف کلیات یک نظریه..... ۱۷۳

سطح نظریه‌ها..... ۱۷۶

فصل دوم: جمع‌بندی روش‌شناختی نظریه‌های فلسفی روانشناسی انقلاب... ۱۸۱

پی‌نوشت بخش سوم..... ۱۹۰

منابع فارسی..... ۱۹۳

منابع انگلیسی..... ۱۹۹

www.ketab.ir

فهرست اشکال

شکل شماره ۱ (طراحی یک روش) ۱۸۸

www.ketab.ir

پیشگفتار

یکی از بن مایه‌های اصلی و ضروری علوم اجتماعی به ویژه علوم سیاسی رجوع به مطالعات میان‌رشته‌ای است. لکن پدیدارهای اجتماعی و سیاسی توسط نظریه‌ها تبیین می‌گردند. در واقع تبیین پدیدارهای اجتماعی و سیاسی در یک ساختار یا ترکیبی از ساختارها صورت می‌گیرد و تجویز را تسهیل می‌نماید. لذا این امر به کارگزاران سیاسی این امکان را می‌دهد که بهره‌مندی از نظریات سیاسی در سپهر عملی سیاسی به عمل آورند؛ در راتاق خرد کردن پوسته و لایه‌های نظریه‌پردازی و راهیابی به درون آن و تبیین نحوه انجام فعل و انفعالاتی است که نتیجه آن‌ها نظریه است. بنابراین راه شناخت عمیق بسی مهم است که لازم است در این زمینه در کشور ادبیات این مجمع قوی‌تر از گذشته شود. چرا که در این گونه موضوعات در اول راه می‌توانیم لذا این پژوهش باهدف تولید ادبیاتی غنی در این گونه موضوعات که شش دارد دانشی بر دانش‌های گذشته بیفزاید و امیدوار است که جرقه را برافروزد. دیگر پژوهشگران برای ادامه این مسیر روشن نموده باشد؛ در خاتمه با تشکر از همه همکاران و دوستانی که ما را در این مسیر هدایت نمودن تشکر و قدردانی فراوان می‌نمایم. باشد که این مسیر ادامه یابد.

محمد رضا کاری - حسین ابراهیم نیا

بهار ۱۳۹۵

مقدمه

فلسفه روانشناسی سیاسی اکنون به عنوان حوزه‌های میان‌رشته‌ای مجموعه رشته‌های علوم سیاسی جایگاه خود را در پژوهش‌های تا حد چشمگیری تثبیت نموده است. توجه این حوزه پژوهشی به رویکردهای روان فردیت، روان کاوی، روان تحلیل‌گری سبب شده است لزوم روش‌شناختی این حوزه بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

اکنون در تدوین مراکز پژوهشی و فکری کشورهای توسعه‌یافته مطالعات روش‌شناختی^۱ این حوزه جهت ارائه به دستگاه‌های تصمیم‌ساز نظیر وزارتخانه‌های کشور، خارج و نهادهای امنیتی بیش از گذشته انجام می‌پذیرد. لذا این حوزه مطالعاتی اکنون خود به گرایش‌های مختلفی همچون روانشناسی سیاسی شبکه‌های اجتماعی، روانشناسی رسانه‌های جمعی تک‌بعدی و پس‌بعدی، روانشناسی سیاسی فردی، روانشناسی رهبران سیاسی، روانشناسی جنبش‌های نوین اجتماعی، روانشناسی انقلاب‌ها و ... تقسیم شده است.

به همین جهت اکنون جهت شناخت بیشتر این موضوع میان‌رشته‌ای باید نخست مبانی روش‌شناختی آن را مورد پژوهش قرار داد؛ چرا که نخست با فرد در یک اجتماع روبرو هستیم و تعیین هویت اجتماعی - روانی یک فرد، یک گروه اجتماعی و یا یک جامعه (به عنوان مطالعه موردی) کاری بسیار دشوار است، خصوصاً که هویت افراد یک جامعه با پیچیدگی بسیاری همراه باشد؛ در واقع این جامعه از آن سنخ جوامعی

^۱ .Methodological Studies

باشد؛ که غالب کنش و واکنش‌های آن غیرمنتظره باشد. لذا باید اشاره نمود که ساختار هر جامعه‌ای به واسطه تعامل میان اعضای آن بسط و توسعه می‌یابد. هرچند که واکنش‌های غیرمنتظره در جوامع غیر قابل پیش‌بینی گاه به شکل انقلاب بروز می‌نماید؛ ولی برای شناخت چنین جوامعی باید رجوع به فلسفه شناخت و فلسفه روان فردی نمود، بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که روش‌شناختی عمده نظریات روان‌شناختی انقلاب‌ها برای شناخت چنین جوامعی کدام است؟ چنانکه به نظر می‌رسد که به توجه به تجربی بودن پدیده انقلاب مطالعات روان‌شناختی عمدتاً از الگوری روش‌شناختی اثبات‌گرا تبعیت می‌نمایند. لیکن شناخت محیط و شرایط آن همواره مورد توجه و عنایت بشر بوده است و بشر نخستین نیز از این امر مستثنا نبوده و به آن توجه داشته است. شناخت علمی با ویژگی‌های خاص، روزه‌های جدیدی را در افق زندگی انسان گشوده و او را هرچه بیشتر به سوی کانون‌های پژوهش هدایت نموده است. برای نیل به اهداف علمی و نیز تحقق هرچه فزون‌تر شناخت علمی، اتخاذ راه و روش علمی می‌تواند وفای بشر را تضمین نماید، زیرا رشد دانش در این حوزه مطالعاتی بدون «تخاذ «روش» علمی میسر نخواهد بود. بنابراین تکوین هیچ حوزه مطالعاتی نیز بدون شناخت روش میسر نیست. لذا در دنیای کنونی پژوهش علمی، موضوعات مختلف، متعدد و متنوعی، با درجات متفاوت، مطرح می‌شوند. مقوله‌ای که در پژوهش بسیار قابل توجه است، مقوله اهمیت و ضرورت پژوهش است. بسیاری از محققان، معتقدند که این دو مقوله، مجزا از هم هستند (دلاور، ۱۳۷۹، ص ۲۱)؛ یعنی وقتی از اهمیت پژوهش

سخن می‌گوییم، یعنی این پژوهش از نظر چه ابعاد و مؤلفه‌هایی مهم است.

در یک نگاه کلی، پژوهش‌گر، اهمیت پژوهش خود را با نوع مسئله‌ای که انتخاب کرده، بیان می‌کند؛ اما باید مشخص کند که این پژوهش، در چه زمینه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار است و این امر، می‌تواند حتی در ارائه طرح پژوهش، بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش، نقش اساسی ایفا کند. (خاکی، ۱۳۸۴، ص ۲۸)؛ همان‌گونه که شناخت مسئله اصلی پژوهش، نشانگر ردیابی اصیل در پژوهش است (sekaran, 1992, p.43).

آسون نیست پرسش در ذهن فرد سرگشته در میان آشفتگی نظریات سیاست شکل می‌گیرد که چرا با تمام این نظریات همچنان انقلاب‌ها غیرقابل پیش‌بینی می‌باشند. اگر به کمک روش‌ها و نظریات علمی از اثبات‌گرایی گرفته تا تحلیل‌گری از نظریات روانشناسی فرد گرفته تا روانشناسی گروه‌های سیاسی، پس چرا فرد همچنان سردرگم است؛ آیا نگرش‌های فلسفی و عقلانی به بهبود معقول که نزد نظریه‌پردازان و منتقدین ارج نهاده می‌شد توانسته است موجبات رستگاری بشر در زندگی سیاسی و اجتماعی را فراهم آورد؟ آیا روش‌های عقلی و همه شیوه‌های شناخت، روش‌شناختی، فلسفی و روانشناسی را به حقیقت رهنمون می‌سازد؟ و اصولاً این نظریات روانشناسی سیاسی انقلاب^۱ چیست؟

بنابراین آنچه که به اثبات رسیده این است که خصلت تجربی بودن انقلاب مقدم بر مطالعات روان‌شناختی است، لیکن اما بدون داشتن بینش منسجم و هدفمند نمی‌توان برای شناخت پدیده‌ها و فراگردهای سیاسی

^۱ . Psychological theories of political revolution

گام برداشت. و روش‌ها مسیر صحیح اندیشیدن را به ما نشان می‌دهند و منظور غایی را به حرکت وا می‌دارد که همانا اندیشیدن هست و برای ما ترسیم و تعیین می‌نمایند. اما نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت این هست که در قلمرو حوزه شناخت فکر سیاسی بشر (قلمرو حوزه‌های علوم سیاسی^۱ و علوم اجتماعی^۲)، همچنان روش واحدی برای تفسیر امور و تبیین پدیده‌ها وجود ندارد، خصوصاً که در عصر فرا رفتاری ما با نوعی کثرت‌گرایی روش‌شناختی مواجه هستیم.

با این مقدمه ربات‌آیت به سوالات و فرضیات کوشش تألیف حاضر بر آن است که در سه بخش اصلی و ۶ فصل عمده بنیاد نظری فلسفه انقلاب‌ها در ابعاد روانشناسانه آن بررسی می‌نمایم.

^۱ Political sciences

^۲ Social Sciences